

مروری بر منابع کتاب العین

فرامرز مسعودی

این مقاله چند هدف را دنبال کرده است:

۱. شناسایی و ارائه منابع کتاب العین صرفنظر از زبان و زمان آنها؛
۲. سنجش و تحلیل محتوای منابع نسبت به مسائل و موضوعات مطرح در باب کتاب العین (یا اصطلاحاً Literature review)؛
۳. ردیابی نظرات گوناگون در باب کتاب العین در عمق زمان؛
۴. تحلیل استنادی منابع کتاب العین (Citation analysis) که به واسطه آن می‌توان منابع معتبر را در زمینه مورد نظر پیدا کرد. به عنوان مثال در باب وجه تسمیه کتاب العین، سه نظریه در منابع آمده است. نظریه اول مربوط به ابن مکتوم است. نظریه دوم که در اصل تکمیل شده نظریه اول است متعلق به ابن خلدون است و نظریه سوم متعلق به سعید نفیسی است. سه منبع به نظر اول استناد کرده‌اند. نه منبع به نظر دوم استناد کرده‌اند و هیچ منبعی به نظر سوم استناد نکرده است. در بافت سلسله استنادها، شرط قید نام منبع در منابع دیگر لازم شمرده نشده بلکه ماهیت نظریه مورد بحث تعیین‌کننده استنادها به حساب آمده است.

وجه تسمیه

تمامی منابعی که در باب کتاب العین بحث کرده‌اند آن را کتابی در لغت عرب دانسته‌اند.^۱ قدیم‌ترین منبعی که در باب وجه تسمیه کتاب العین سخن گفته تذکره تاج‌الدین احمد معروف به ابن مکتوم (م. ۷۴۹ ق.) است. وی می‌گوید: «در باره نام

۱. این منابع در فصلهای آتی معرفی خواهند شد.

کتاب الجیم تصنیف ابی عمرو شیبانی سؤال شد، گفته شد زیرا حرف اول آن جیم است مانند کتاب العین که اولین حرف آن هین است و بدین نام خوانده شده.^۱ پس از وی ابن خلدون (م. ۸۰۸ ق.) همین دلیل را در مورد وجه تسمیه کتاب اقامه کرده و می‌افزاید: «متقدمان در نامیدن کتب خویش شیوه خاصی داشتند که عبارت از نامیدن کتاب به نخستین کلمه‌ها یا الفاظ آغاز کتاب بود».^۲ سعید نفیسی وجه تسمیه کتاب العین را به گونه دیگری بیان کرده، می‌گوید: «از اسم کتاب پیدا است که کتاب خلیل بن احمد می‌بایست تنها شامل مصادری باشد که حرف عین در آنهاست».^۳ دائرة المعارف بریتانیکا در طبع ۱۹۶۷، آن را *The book of eye* ترجمه نموده لیکن در ویرایش بعدی این کتاب را «کتاب حرف عین» معرفی کرده است.^۴

چگونگی تبویب و تنظیم

در منابع بررسی شده، ترتیب کتاب العین یا به عبارتی «نظم خلیل» از دو جنبه اساسی مورد مذاقه قرار گرفته است. نخست طریقه به دست آوردن ابواب کلمات و دوم ترتیب کلمات و آرایش آنها. در باب نحوه به دست آوردن کلمات، خلیل شیوه‌ای بدیع به کار گرفت که توسط آن کلمه‌ای از قلم نیفتد. او ابتدا همه واژه‌ها را به ریشه‌هایشان (اصول) تقلیل داد^۵ و سپس ریشه‌ها را بر اساس شماره حروف آنها به دسته‌های دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی و پنج حرفی

۱. عبدالرحمن السیوطی، المزهر، ج ۱: ص ۹۱ و نیز ج جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیه، ج ۲، ص ۱۲۲، محمد علی مدرس، ریحانة الادب، ج ۷، ص ۱۸۳.

۲. ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۱۶۲ و نیز ج عبدالله افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۷؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۶۴؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۴۲؛ سلطانعلی سلطانی، «تدوین لغت نازی به وسیله ایرانیان»، ص ۲۴۷؛ شهیدی، «بخش درباره کتاب العین»، ص ۲۳۳؛ غلامحسین مصاحب (سرپرست)، دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۱۷۵؛ وجدی رزق غالی. المعجمات العربیه، ص ۲۷ مهدی المخزومی، مقدمه کتاب العین، ص ۹، ابراهیم الایباری، «العین للخلیل بن احمد»، ج ۱، ص ۸۹۶.

۳. سعید نفیسی، «فرهنگهای پارسی»، ج ۱، ص شصت و چهار. البته تحقیقات بعدی نشان داد که این نظر مرحوم نفیسی چندان صائب نبوده است.

4. Encyclopedia Britannica, V.9, p.957g.

۵. س.م. یوسف: «سنت فرهنگ‌نویسی در اسلام»، ص ۵

طبقه بندی کرد. قدیمترین کسی که این شیوه خلیل را بیان کرده است ابن ندیم (م. ۳۸۰ ق.) است. وی می گوید: «لیث بن مظفر سیار گفت: من نزد خلیل بن احمد (رضی الله عنه) می رفتم. روزی خلیل به من گفت اگر کسی الف. با. تا. ثا و امثال آن را به ترتیبی که من می دهم تألیف کند تمام کلام عرب را در آن گنجانده است و اساسی به دست می دهد که هیچ چیزی از آن خارج نخواهد ماند. من به او گفتم چگونه می توان این کار را انجام داد. گفت آن را بر دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی و پنج حرفی تألیف کند چون در لغت عرب از این بیشتر کلمه نیست»^۱ پس از وی ابن خلدون شیوه دقیق و ریاضی به دست آوردن ابواب کلمات را توسط خلیل شرح داده می گوید: «کلیه کلمه های دو حرفی چنین به دست می آیند: یکی از حروف الفبا را به ترتیب با ۲۸ حرف دیگر که یک حرف کمتر از مجموع حروف الفبا می باشند ترکیب می کنند. در نتیجه آن یک حرف مرتباً با ۲۷ حرف دیگر ترکیب می شود و ۲۷ کلمه دو حرفی به دست می آید. سپس حرف دوم را به همین شیوه با ۲۶ حرف ترکیب می کنند و آن گاه حرف سوم و چهارم را تا به حرف ۲۷ با ۲۸ می رسند که یک کلمه می شود و بنابراین مجموعه آنها اعدادی متوالی از یک تا ۲۷ تشکیل می دهند و آنها را مطابق اعمالی که در نزد محاسبان مشهور است جمع می کنند. سپس آنها را به سبب برگرداندن الفاظ دو حرفی از آخر به اول دو برابر می کنند، زیرا تقدیم و تأخیر حروف نیز در ترکیب مورد نظر می باشد و نتیجه این محاسبه کلیه الفاظ دو حرفی را تشکیل می دهد [و الفاظ سه حرفی از ضرب حاصل الفاظ دو حرفی] در رقمی به دست می آید که در نتیجه ترکیب سه حرفی ها از یک تا ۲۶ [بر حسب توالی عدد] گرد آمده است، زیرا اگر بر لفظ دو حرفی یک حرف بیفزایند لفظ سه حرفی تشکیل می دهد و بنابراین دو حرفی به منزله یک حرف با هر یک از بقیه حروف است که ۲۶ حرف اند. از این رو مرتباً از یک تا ۲۶ را جمع و کلیه دو حرفی ها را در آن ضرب می کنند سپس با ضرب رقم به دست آمده در شش جمله مقلوب کلمه سه حرفی مجموع ترکیبات

۱. ابن ندیم، الفهرست، ص ۷۴-۷۶ و نیز ع. عبدالله افندی، همان، ج ۲، ص ۲۵۴؛ حسین بن محمد قلی کنتوری، کشف الحجب، ص ۲۵۱؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۱؛ مسعود فرزاد، «خلیل بن احمد و سببیه»، ص ۲۱۲؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۱۱.

دو حرفی و سه حرفی الفبا به دست می‌آید. و همین شیوه‌ها را در چهار حرفی و پنج حرفی به کار می‌برند. بدینسان خلیل کلیه ترکیبها را به دست آورد.^۱ این روش مهمی بود که در آن زمان خلیل بن احمد با دست یافتن به آن توانست لغات زبان عرب را به شمارش درآورده و تمام حالت‌های ممکنه ترکیب حروف را در ساختمان کلمات مهار کند. وی سپس از میان این حالات ممکنه که داده‌هایی ریاضی بودند، مستعملها را از مهملها متمایز کرد. اگرچه بعدها کسانی در تشخیص خلیل بین لغات مستعمل و مهمل شک و تردید روا داشتند اما شیوه دستیابی او به کلمات ممکنه نه تنها مورد خرده‌گیری قرار نگرفت بلکه به صورت روشی معمول در تدوین فرهنگهایی که بعد از کتاب العین پدید آمدند به کار گرفته شد.

برخی از منابع به تعداد ابواب به دست آمده از طریق فوق اشاره کرده‌اند. حمزه اصفهانی (م. ۳۶۰ ق.) تعداد کل ابواب به دست آمده را ۱۲۳۰۵۴۱۲ باب ذکر کرده است و تعداد ابواب هر دسته از کلمات را نیز به تفکیک بیان کرده است: دو حرفی ۷۵۶ کلمه، سه حرفی ۱۹۶۵۰ کلمه، چهار حرفی ۴۹۱۴۰۰ کلمه و پنج حرفی ۱۱۷۹۳۶۰۰ کلمه.^۲ همانطور که ملاحظه می‌شود جمع ارقام مزبور ۱۲۳۰۵۴۰۶ کلمه می‌شود که ۶ کلمه از حاصل جمع ارائه شده کمتر است. آقا بزرگ طهرانی جمع ابواب را همان ۱۲۳۰۵۴۰۶ باب ذکر کرده که با جمع ارقام مزبور مطابقت دارد.^۳ محسن الامین متذکر می‌شود که ۶ باب اختلاف مورد بحث توسط نساخ کم شده است.^۴ دکتر شهیدی نیز ضمن تذکر این نقصان می‌گوید: «معلوم نیست ۶ کلمه [را] که از مجموع کل کمتر است در چه بنایی اشتباه رخ داده است».^۵ جرجی زیدان علاوه بر ذکر رقم ۱۲۳۰۵۴۱۲ باب به نقل از سیوطی، تعداد الفاظ زبان عرب را نزد ابویکر زبیدی که از منتقدین خلیل بوده

۱. ابن خلدون، همانجا؛ و نیز - س. م. یوسف، همان، ص ۶؛ محمد شفیق، همان، ص ۴۶.

۲. السیوطی، بُنیة الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۹؛ و نیز - حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ستون ۱۴۴۳؛ حسین بن محمد قلی کنتوری، همانجا.

۳. آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶.

۴. محسن الامین، همانجا.

۵. شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ و نیز - محمد شفیق، همان، ص ۴۸.

آورده است.^۱ ابراهیم الایاری مجموع ابواب را همان ۱۲۳۰۵۴۱۲ ولی تعداد چهار حرفی‌های را ۵۹۱۴۰۰ و تعداد پنج حرفی‌ها را ۱۱۷۳۸۶۰۰ ذکر کرده است.^۲

خلیل بن احمد پس از استخراج ابواب لغات، آنها را مرتب کرد و برای ترتیب کتاب از شیوه‌ای بدیع که تا آن زمان به کار نرفته بود استفاده کرد. در این شیوه کلمات براساس جایگاه تولید حروف در دهان منظم شدند. طبق این روش «حروف کتاب العین از حروف حلق و گلو آغاز می‌گردد»^۳ و ابن خلدون می‌گوید: «در این امر [خلیل] مخارج حروف را مورد نظر قرار داد و از این رو نخست حروف حلق و سپس حروف کام (حنک) و آنگاه حروف دندانها (اضراس) و پس از آن حروف شفوی را قید کرد و حروف عله (ا - و - ی) یا حروف هوایی را در آخر آورد».^۴

بایستی توجه داشت که ترتیب ابثی در آن زمان نیز معمول بوده است و درباره این که به چه علت خلیل چنین نظم حاکمی را به کار بسته است نظرات گوناگونی مطرح شده است. در مقدمه کتاب العین آمده است که «وقتی خلیل بن احمد خواست کتاب العین را آغاز کند در آن تفکر کرد و شروع به ا. ب. ت. ث. ممکن نشد از آن جهت که الف حرف معتل بود. پس چون حرف اول فوت شد کراحت داشت که کتاب را با حرف دوم که ب بود آغاز کند و بعد از استقصاء و تدبیر و توجه به کل حروف، مخارج آنها را مد نظر قرار داده حرف عین را که دورترین مخرج را داشت اول قرار داد، بعد به حروف بالا و بالاتر آمد تا آخر حروف».^۵ این ندیم ترتیب حروف را در کتاب العین به شرح زیر آورده است: ع. ح. ه. غ. ق. ک. ج. ش. ص. ض. س. ر. ط. د. ت. ذ. ث. ز. ل. ن. ف. م. ب. ا. ی. و.^۶

۱. جرجی زیدان، همانجا.

۲. ابراهیم الایاری، همانجا.

۳. ابن ندیم، همان، ص ۷۵.

۴. ابن خلدون، همانجا.

۵. عبدالله افندی، همان، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۷؛ و نیز - محسن الامین، همانجا؛ وجدی رزق‌غالی،

همانجا؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۹-۱۴؛ ابراهیم الایاری، همان، ص ۸۹۵.

۶. ابن ندیم، همانجا.

پژوهشگران معاصر گرایش خلیل به چنین روشی را منبعث از توجه او به علم الاصوات یا آواشناسی می‌دانند. علمی که در زمان خلیل بسیار بدیع بوده و حتی مدتها پس از او یعنی تا قرن چهارم هجری که ابن جنی آن را در التصریف الملوکی به صراحت نام برد کسی بدان اشاره‌ای نکرد و امروز این علم به نام Phonology شهرت دارد.^۱ مسعود فرزاد در کنگره بزرگداشت سیبویه در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳، در سخنرانی خود اعلام کرد: «خلیل در علم مخارج الحروف (فوتیک) نیز استاد و مبتکر بود و آشکار است که نظرات او در این علم در مطالعات سیبویه درباره «اصوات» زبان عربی منعکس شده است. خلیل منجمله متوجه مسئله بسیار مهم طرح صوتی الفبا گردید و کوشید که علامات کتبی اصوات الفبایی عربی را به ترتیبی که مبتنی بر قریب المخرج بودن آنها باشد تنظیم کند. تا آنجا که اطلاع داریم وی صحیحاً تشخیص داده است که در این طرح علمی گروه‌های حروف ذیل باید در مجاورت یکدیگر جای داشته باشند: عین، حاء، هاء؛ غین، قاف، کاف؛ جیم، شین؛ صاد، ضاد، سین؛ طاء، دال، تاء؛ ذال، ثاء، تاء [احتمالاً بایستی طاء باشد؛ لام، نون. همچنین با روشن بینی عجیب تشخیص داد که همزه، واو (W) و یاء (Y) در این طرح علمی هم‌ردیف می‌باشند. علم جدید نظرات او را تأیید می‌کند».^۲ یوسف الهلیس نیز در کنگره بین‌المللی «تاریخ العلوم عند العرب» که در سال ۱۹۷۷ میلادی در دانشگاه حلب برگزار گردید،^۳ تقسیم‌بندی آواشناسانه حروف را نزد خلیل به این شرح مطرح کرد:

۱) حروف الحلق: ع، ح، ه، خ، غ (Throat)؛ ۲) حروف الهلویة: ق، ک (Uvular and Velar)؛ ۳) حروف شجرية: ج، ش، ض (Orifice)؛ ۴) حروف أسلیة: ص، س، ز (Hard-Tip)؛ ۵) حروف نطعية: ط، د، ت (Pre-Palatal)؛ ۶) حروف لثویة: ظ، ذ، ث (Interdental)؛ ۷) حروف ذلقية: ر، ل، ن (Soft-Tip Sounds)؛ ۸) حروف شفویة: ف، ب، م (Labial)؛ ۹) حروف الجوف: و، ا، ی، الهمزه (Chest).
«نظم خلیل» اگرچه نه در آن روزگار رواج داشت و نه در روزگاران بعدی

۱. مهدی المخزومی، همانجا؛ و نیز - م. یوسف، همانجا.

۲. مسعود فرزاد، همان، ص ۲۱۳.

۳. یوسف الهلیس، «علم الصوتيات عند العرب»، ص ۴۷۷؛ و نیز - ابراهیم الایاری، همانجا.

مورد اقبال عام قرار گرفت،^۱ ولی همواره مورد توجه سرگذشتنامه‌نویسان و محققین بوده و بسیاری از اینان به این نظم بدیع در نوشته‌های خود توجه داشته و برخی خلیل را در اتخاذ این نظم متأثر از هندیان و خود این نظم را مطابق حروف زبان سانسکریت دانسته‌اند.^۲ دکتر شهیدی چنین نظری را توهمی می‌داند که از صرف تشابه بین این دو نظم ناشی شده است^۳ و س.م. یوسف معتقد است: «هر گونه فکری که از رهگذر شباهت این دستگاه با دستگاه رایج در سانسکریت به ذهن خطور کند آن فکر در پرتو توجه به این واقعیت بی‌گمان ناستوار جلوه خواهد نمود که دستگاه خلیل به احتمال نزدیک به یقین از طریق اشتغال به قرائت قرآن به طور خودجوش به حاصل آمده است».^۴ صفدی (م. ۷۴۶ ق.) خلیل را در این شیوه متأثر از حکمای یونان می‌داند.^۵

«نظم خلیل» اگرچه بسیار علمی است ولی دستیابی به واژه‌ها در آن چندان سهل نیست و این خود مورد ایراد برخی ناقدان کتاب العین بوده است.^۶ ابوالعباس احمد بن ولاد (م. ۳۰۲ ق.) می‌گوید: «شاید خواننده کتاب پیرسد که چرا به الف که معتل است ابتدا کردیم و خلیل در کتاب العین بدان ابتدا نکرده است ولی غرض ما چون خلیل نیست، کسی که بخواهد لغتی را از کتاب العین بیابد باید در تصریف توانا بوده، زائد و اصلی و معتل و صحیح و ثلاثی و رباعی و خماسی را بشناسد و مراتب حروف را در حلق و زبان و لب بداند و بر تصریف کلمه به وجوهی که ممکن است از حرکات مختلف و الحاق زوائد و مواضعی که

۱. س.م. یوسف، همانجا.

۲. جرجی زیدان، همان، ج ۲، ص ۱۱۲۱ و نیز *El. V. 4, P.963*؛ محمدعلی مدرس، همانجا؛ غلامحسین مصاحب، همانجا؛ سلطانی، همانجا؛ عبدالحسین حائری، فهرست کتابهای کتابخانه مجلس شورای ج ۱۷، ص ۱۰۹.

Sergei Shuklii. "Encyclopedias and dictionaries, Arabic and Persian," V. 4, P. 443.

چنین نظریه‌ای در باب نزدیکی عروض خلیل با عروض هند نیز مطرح است. در این زمینه - پرویز ناتل خانلری، «عروض عرب و عروض هند»، ص ۸-۱۳.

۳. شهیدی، همان، ص ۲۳۲.

۴. س.م. یوسف، همانجا.

۵. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۳۸۵-۳۹۱.

۶. س.م. یوسف، همانجا.

حرف زائد در می‌آید آگاه باشد و همچنین به راهی که خلیل از آن راه کلام عرب را حصر کرده است و قوف یابد چون این جمله را دانست می‌تواند لغتی را که می‌خواهد از کتاب‌العین بیابد.^۱ دیریابی واژه‌ها و کلمات در کتاب‌العین موجب گردید که راهنمایی در باب نظم کتاب به وجود آید که از آن میان شعر ابوالفرج سلمة بن عبدالله دلان‌المعافری مشهور است.^۲

منزلت تاریخی

بسیاری از منابع، کتاب‌العین را اولین فرهنگ جامع لغات زبان عربی به حساب آورده‌اند. فرهنگهایی که قبل از این کتاب تدوین شده بود فرهنگهایی شامل واژه‌ها، مترادفات و مشتقات هم‌ریشه در موضوعاتی خاص بود مثل کتاب شتر (الابل)، باران (المطر)، جنگ‌افزار (السلاح)، زراعت (الزرع)، گیاهان (النبات) و غیره. برخی نیز مختصات ویژه‌ای از کاربرد رایج زبان عربی را در قالب رسالات جداگانه تدوین کردند مثل مثلثات، مقصود و ممدود، اتباع و مزاجه، اجناس و نوادر و غیره. برخی از لغت‌شناسان نیز به نگارش شروع عملی بر قرآن و اقوال پیامبر اکرم (ص) زیر عنوانی از قبیل غریب القرآن، غریب الحدیث، مجاز القرآن، و معانی القرآن پرداختند. به همین لحاظ بیشتر منابع، کتاب‌العین را در واقع اولین کتاب لغت زبان عربی قلمداد نموده‌اند.^۳ مسعود فرزند از این لحاظ خلیل بن احمد را با ساموئل جانسون عالم شهیر انگلیسی مقایسه کرده است.^۴ برخی منابع دیگر نیز کتاب‌العین را سزاوار چنین مقامی ندانسته‌اند. از جمله سعید نفیسی با استناد به این فرض که کتاب‌العین تنها شامل آن دسته از افعال است که فاء الفعل یا عین الفعل و یا لام الفعل آنها حرف عین است، آن را جامع لغات زبان عربی ندانسته و

۱. احمد بن ولاد، مقصور و الممدود، ص ۲۰؛ و نیز - السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۹۰؛ شهیدی، همانجا.

۲. السیوطی، همان، ج ۱، ص ۸۹ و نیز - حاجی خلیفه، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ ابراهیم‌الایبیری، همانجا.

۳. س.م. یوسف، همان، ص ۱۷ و نیز - سلطان‌ی، همانجا؛ مهدی‌المخزومی، همان، ص ۱۷؛ ابراهیم‌الایبیری، همان، ص ۸۹۳.

۴. مسعود فرزند، همانجا.

بنابراین کتاب العین را به مصداق حقیقی اولین کتاب لغت نمی‌داند.^۱

نسخه‌های خطی و چاپی کتاب العین

در این بخش ابتدا درباره نسخه‌های خطی که در منابع مختلف به آنها اشاره شده سخن می‌رود و سپس آن نسخه‌هایی که در حال حاضر موجودند معرفی می‌شود. طبق داستانی که ابن معتر (متوفی ۲۹۶ ق.) نقل کرده نسخه اصلی کتاب العین که نسخه منحصر به فردی نیز بوده است اندکی پس از مرگ خلیل از بین رفته است، و لذا او نسخه‌هایی را که در آن زمان موجود بوده جعلی می‌دانسته است.^۲ بنا به قول ابن معتر هیچ یک از نسخه‌های این کتاب اصل نیست. این مطلب از سوی منابع دیگر و نیز تحقیقات معاصر مورد تردید جدی قرار گرفته و حتی داستان چگونگی از میان رفتن تنها نسخه اصلی نیز که ابن معتر آن را نقل کرده افسانه خوانده شده است. این منابع به وجود نسخه‌های اصلی اشاره نموده‌اند. از جمله ابن ندیم آورده است که علی بن مهدی کسروی نسخه‌ای از کتاب العین را که توسط لیث بن مظفر و به همراهی خلیل به اتمام رسیده بود از محمد بن منصور معروف به محدث گرفت و محدث این نسخه را از روی نسخه لیث استنساخ کرده بود،^۳ و باز همو گوید: «نسخه‌ای که دعلج داشت، همان نسخه ابن علاء سجستانی بود. و ابن درستویه گوید: ابن علاء از آن اشخاصی بود که برای شنیدن این کتاب حاضر می‌شد.»^۴ از خطاط مقریزی نقل شده که در «خزانة الکتب» خلفای فاطمی در قرن چهارم سی و چند نسخه از کتاب العین خلیل وجود داشته که یک نسخه به خط خود خلیل بن احمد بوده است.^۵

ابن ندیم از قول ابوالفتح نحوی و او از ابوبکر بن درید (م. ۳۲۱ ق.) آورده است که: «در سال ۲۴۸ یکی از ورّاقان کتاب العین را از خراسان به بصره آورد و

۱. سعید نفیسی، همان، ج ۱، ص ۶۶.

۲. ابن المعتر، طبقات الشعراء، ص ۹۷.

۳. ابن ندیم، همان، ص ۷۶.

۴. همانجا.

۵. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۶۳۴؛ و نیز - محسن الامین، همانجا؛ علی اصغر حلبی،

تاریخ تمدن اسلام، ص ۳۸۲.

در چهل و هشت جزء بود.^۱ ظاهراً این قدیمترین اطلاع دربارهٔ نسخ کتاب العین است. ابن درید سپس می‌گوید: «ما شنیده بودیم که این کتاب در خراسان و در خزینة طاهره است تا آنکه وراق مومی الیه آن را به بصره آورد.»^۲ حاجی خلیفه از کتاب الاستدراک علی کتاب العین ابوبکر زبیدی نقل می‌کند که: «در زمان ابی حاتم کتاب العین از خراسان آورده شد.»^۳ قاضی صاعد اندلسی (م. ۴۶۲ ق.) می‌گوید: «حنین بن اسحق کتاب العین خلیل را به بغداد آورد.»^۴ و ابن عطیه عبدالحق بن غالب (م. ۴۴۲ ق.) آورده است که قاسم بن ثابت بن حزم، اول کسی بود که کتاب العین خلیل را به اندلس آورد.^۵

اما نسخه‌های خطی که منابع مورد بررسی نسبت به وجود آنها اطلاع داده‌اند به شرح ذیل هستند: خیرالدین زرکلی از نسخه‌های خطی کتاب العین به صورت موجود یاد کرده است^۶ و سید حسن صدر می‌گوید: «از کتاب العین نسخه‌ای کامل به خط نیکو نزد من است».^۷ این نسخه هم اکنون در کتابخانه صدر در کاظمیه عراق موجود بوده و مشخصات آن به این شرح است: خط نسخ، ۲ جلد، ۴۳۲ لوحه، هر صفحه ۱۳ سطر و تاریخ کتابت ۱۰۵۴ ق.

نسخه دیگری که از روی همین نسخه صدر استنساخ شده در ۸۵۰ صفحه و با سال کتابت ۱۹۲۶ م. مطابق ۱۳۴۶ ق. در کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان موجود است.^۸ نسخه استنساخ شده دیگری از روی نسخه صدر در ۸۴۳ صفحه

۱. ابن ندیم، همان، ص ۷۵.

۲. همانجا.

۳. حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۲؛ و نیز - مهدی المخزومی، همان، ص ۲۵.

۴. قاضی صاعد اندلسی، طبقات الامم، ذیل حنین بن اسحاق؛ و نیز - قطعی، تاریخ الحکما، ص ۲۳۴؛ دهمخدا، لغتنامه، ج ۲۱، ص ۷۱۸.

۵. ابن عطیه، فهرس، ص ۱۱۴۰ و نیز - یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۹.

۶. زرکلی، الاعلام، ج ۲، ص ۳۱۴.

۷. سید حسن صدر، الشیعه و قون الاسلام، ص ۷۷ و ۷۸ و تأسیس الشیعه، ص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ و نیز - آقا بزرگ طهرانی. همانجا؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۵؛ شهیدی، همانجا؛ عبدالحسین حائری، همان، ج ۱۷، ص ۱۱۰؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۳۱.

Fuat Sezgin. Geschite des arabischen schrifttums, V.8, p.53.

احمد الشرفاوی اقبال، معجم المعاجم، ص ۱۹۴.

۸. محسن الامین، ج ۶، ص ۳۴۵.

و ۲ جلد با سال کتابت ۱۹۲۶ م. مطابق ۱۳۴۶ ق. در کتابخانه برلین موجود است.^۱
 عبدالله درویش نیز از نسخه‌ای کامل به خط شیخ محمد السماوی در ۱۸۰
 صفحه و قطع بزرگ با تاریخ کتابت ۱۹۳۶ م. مطابق با ۱۳۵۶ ق. یاد کرده است.^۲
 میکروفیلم همین نسخه نیز در کتابخانه معهدالدراسات الشرقيه در لندن موجود
 است.^۳ نسخه دیگری به خط کاتب فوق‌الذکر در ۲ جزء، یک جزء به شماره ۷۷۳
 و تاریخ کتابت ۱۳۴۵ ق. و جزء دیگر با شماره ۵۰۹ و تاریخ کتابت ۱۳۵۵ ق.، در
 موزه بغداد موجود است که تطابق آن با نسخه ذکر شده توسط عبدالله درویش
 مورد تحقیق است.^۴

نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به خط نسخ مرتضی قلی
 افشار بن محمد بن یوسف، در ۵۰۶ صفحه با شماره ثبت قدیم ۶۱۸۱۳ و شماره
 ثبت جدید ۸۲۱۶ و تاریخ کتابت ۱۰۸۷ ق.^۵

نسخه کتابخانه ملی ملک در تهران به خط محمدعلی کمپانی با شماره
 ۵۳۴۸ و تاریخ کتابت ۱۰۹۲ ق.^۶

دو نسخه دیگر از کتاب العین یکی در بغداد و در ۶۱۵ صفحه^۷ و دیگری
 در دارالکتب مصر به شماره‌های ۴۹۷ و ۴۹۸ در منابع معرفی شده است و
 دو نسخه را نیز آقا بزرگ طهرانی ذکر کرده که در منابع دیگر نیامده است. این دو
 نسخه عبارتند از:

1. Fuat Sezgin. *Ibid.*

۲. همانجا.

۳. همانجا.

۴. مهدی المخزومی، ص ۳۳ و نیز -

Fuat Sezgin. *Ibid*; G. Auwad. *Handschriftlich kataloge der sammlungen*,
 Abdalwahab an-Nalb und Said an-Naqsbandi, p94-95.

۵. عبدالحسین حائری. همانجا؛ و نیز - مهدی المخزومی. همان، ص ۳۲. Fuat Sezgin, *Ibid*
 (سزگین شماره کتاب را ۵۶۵۴ ذکر کرده که با شماره آن در فهرست آقای حائری مطابقت ندارد)؛
 احمد الشرفاوی اقبال، همانجا.

۶. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملک. زیر نظر ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱، ص ۳۷۴؛ و نیز
 Fuat Sezgin. *Ibid*.

7. Fuat Sezgin. *Ibid*

۸. فهرس الکتب العربیه الموجوده بالذکار الکتب المصریه، ج ۲، ص ۲۸؛ و نیز - Fuat Sezgin. *Ibid*.

نسخه کتابخانه کوپرولی‌زاده با شماره ۱۴۴۵ و نسخه‌ای به خط ابراهیم الاصفهانی با تاریخ کتابت ۱۰۵۴ ق.^۱

اما نسخه‌ای بسیار قدیمتر از نسخ فوق‌الذکر که متأسفانه در بررسی نسخه‌های خطی کتاب العین هیچ جا نامی از آن نیامده است نسخه‌ای بوده متعلق به مرحوم سعید نفیسی شامل ۵۳۰ صفحه به خط نسخ شعیب بن محسن و تاریخ کتابت روز یکشنبه اواخر جمادی الآخر ۸۹۵ ق. آنگونه که مرحوم نفیسی خود ذکر کرده است این نسخه متعلق به فرهاد میرزا معتمدالدوله بوده است. سعید نفیسی به واسطه اشتباهی به این نسخه مشکوک بوده است و تردید نیز از آنجا برخاسته که ایشان تصوّر می‌کرده نام کتاب العین دلالت دارد بر وجود تنها آن دسته از مصادری که حرف عین در آنهاست و چون نسخه ایشان شامل مصادر دیگر نیز بوده لذا آن را مشکوک می‌دانسته است. این اشتباه مرحوم نفیسی را وجود یک دوره از جزوه‌های چاپی آنستاس الکرملی که در اختیار ایشان بوده و آنها شامل افعالی بوده که فاء‌الفعل یا عین‌الفعل یا لام‌الفعل آنها حرف عین بوده، تنویت کرده است.^۲ در حال حاضر نسخه‌ای با همین مشخصاتی که ذکر شد و با یادداشت تملک «علی اکبر بن محمد المنیر» و «مرتضی بن محمد المنیر» در کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است که پشت ورقه اول آن نوشته شده؛ مکتبه سعید نفیسی.^۳

علاوه بر نسخه‌های ذکر شده، نسخه‌ای متعلق به قرن دوم هجری توسط آقای همایونفرخ جزو مجموعه کتابخانه بدر ذکر شده^۴ که با توجه به این که ظاهراً قسمت اعظم این مجموعه توسط کتابخانه ملی ایران خریداری گردیده، جستجوهای برای یافتن اثر از آن در کتابخانه مذکور به عمل آمد لیکن نتیجه‌ای حاصل نشد.

۱. آقا بزرگ طهرانی، همانجا.

۲. سعید نفیسی، همان، ج ۱، ص ۶۵ و نیز - شهیدی، همان، ص ۲۳۱.

۳. فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، ص ۳۴.

۴. رکن الدین همایونفرخ، تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، ص ۱۱۰۱ و نیز -

اسماعیل پوراحمد جکنجانی، تاریخچه کتابخانه ملی، ص ۳۹.

چاپهای کتاب العین

در سال ۱۹۱۴ میلادی، در بغداد، آنستاس الکرملی اقدام به چاپ این کتاب براساس نسخه‌های خطی که در دست داشت کرد ولی با شروع جنگ جهانی اول کار چاپ آن ناتمام ماند و تنها یک جلد آن شامل ۱۴۴ صفحه تحت عنوان: اللیث بن المظفر، کتاب العین فی اللغة از چاپ بیرون آمد.^۱ پس از آن در سال ۱۹۶۷ میلادی، ایضاً در بغداد ویرایش جدیدی توسط عبدالله درویش منتشر گردید به نام: کتاب العین اول معجم فی اللغة العربیه للخلیل بن احمد فراهیدی.^۲ و بالاخره آخرین چاپ کتاب العین توسط مهدی المخزومی و ابراهیم السامرایی در ۱۹۸۰ میلادی و این بار نیز در بغداد انجام یافت.^۳ همین چاپ در سال ۱۴۰۵ ق. توسط انتشارات دارالهجرة در قم به صورت چاپ افست منتشر گردید.

مؤلف کتاب العین

ابن بخش از بررسی منابع کتاب العین پیچیده‌ترین بخش و مشحون از اقوال مختلف و نظریات متفاوت و متناقض است. از آنجا که کتاب العین دارای اهمیت زیادی در سنت فرهنگ‌نویسی بوده و به اجماع اهل نظر در مرتبه نخست در این رشته قرار دارد از دیرباز مورد توجه سرگذشتنامه‌نویسان و لغویان و نحویان بوده است، و همانگونه که اشاره شد نظریات مختلفی درباره مؤلف این کتاب ابراز شده است و هر یک از صاحب‌نظران دلایلی بر اثبات نظر خود یا رد نظر دیگران آورده‌اند. به منظور تبیین بهتر این نظریات آنها را بر حسب منابع مربوط، به سه

1. Carl Brockelman. *Geschichte der arabischen litrature*, V.1, p.100, Sup.1, p.159.

و نیز ← *El. Ibid* الیاس سرکیس. معجم المطبوعات، ج ۱، ستون ۸۲۵ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ سعید نقیسی، همانجا؛ احمد تیمور پاشا، نوادر المخطوطات، ص ۱۹؛ محمد شفیق، همان، ص ۴۵؛ عبدالجبار عبدالرحمن، ذخائر التراث العربی الاسلامی: دلیل بیلو غرافی للمخطوطات العربیة المطبوعة حتى عام ۱۹۸۰ م، ج ۱، ص ۴۹۹؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشراوی اقبال، همانجا.

۲. *El. Ibid* و نیز ← وجدی رزق غالی، همان، ص ۲۷؛ عبدالجبار عبدالرحمن، همانجا؛ *Ibid*، Fuat Sezgin؛ احمد الشراوی اقبال، همانجا؛ محمد رشاد الحمزوی، من قضایا المعجم العربی، ص ۲۰۳.

۳. خللیل بن احمد، کتاب العین؛ و نیز ← عبدالجبار عبدالرحمن، همانجا؛ احمد الشراوی اقبال، همانجا.

دسته تقسیم کرده ایم:

دسته اول منابعی که تألیف کتاب را به طور کامل به خلیل بن احمد نسبت

می دهند.

دسته دوم منابعی که بخشی از کتاب (ابتدای آن را) از خلیل ولی اتمام و

انتهای آن را از جانب شخص یا اشخاص دیگری می دانند.

دسته سوم منابعی که کتاب را کلاً از فرد یا افرادی غیر از خلیل دانسته اند.

برخی از منابع مورد بررسی نیز یک چنین تقسیم بندی و یا شبیه به آن را

اعمال کرده اند.^۱

الف) انتساب به خلیل: در میان منابعی از این دست می توان از ابن ولاد (م.

۳۰۲ ق.)،^۲ ابن درید (م. ۳۲۱ ق.)^۳ و حمزة اصفهانی (م. ۳۶۰ ق.)^۴ نام برد. ابن

ندیم نیز دو قول متفاوت و دو روایت در تأیید و تکذیب تألیف کتاب توسط خلیل

آورده است. وی می گوید: «خلیل کتاب العین را تألیف کرد و به سفر حج رفت و آن

را در خراسان گذاشت و از خزاین طاهریه به عراق آورده شد».^۵ ابن ندیم همچنین

سند کتاب را بدین منوال آورده است: «ابو محمد بن درستویه چنین آورده است

که من کتاب العین را به این استاد شنیده ام: ابوالحسن علی بن مهدی کسروی

می گفت: محمد بن منصور معروف به محدث برای من حکایت کرد که لیث بن

مظفر بن نصر بن سیار گفت: من نزد خلیل بن احمد (رضی الله عنه) می رفتم،

روزی خلیل به من گفت اگر کسی الف. یا. تا. ثا و امثال آن را به ترتیبی که من

۱. السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۷۶-۸۶ و نیز - حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۱ و ۱۴۴۲؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۰-۱۵۳؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ سید جمفر شهیدی، همان، ص ۲۳۳-۲۳۶؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۱۹۱.

۲. المقصور و الممدود، ص ۲۰.

۳. جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۳ و نیز - السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۹۲؛ عبدالله اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۷؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۲؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۲؛ عبدالحسین حائری، همان، ج ۱۷، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۱۱۹؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۷.

۴. حمزة اصفهانی، الثبیه علی الحدوث الصحیف، ص ۱۱۲۴ و نیز - ابن خلکان، وفیات الاعیان، ص ۱۱۶؛ صفدی، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۷۹؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۳۸؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۳.

۵. ابن ندیم، همانجا.

می‌دهم تألیف کند تمام کلام عرب را در آن گنجانده است و اساسی به دست می‌دهد که هیچ چیزی از آن خارج نخواهد ماند... لیث می‌گفت من مرتب سؤالهایی می‌نمودم و او جوابهایی می‌داد که من به درستی به آن پی نمی‌بردم و به همین منظور چند روزی به نزدش می‌رفتم تا آن که بیمار شد و من هم به قصد حج به مکه رفته و نگرانی بسیار داشتم که مبادا بمیرد و آنچه که برای من شرح داده از میان برود. از حج که برگشتم به دیدارش رفتم، دیدم که او تمام حروف را به همان گونه که در صدر کتاب است تألیف کرده و آن را از حفظ برای من املاء نمود و در جایی که تردید پیدا می‌کرد، از من می‌خواست که تحقیقی در آن نموده، در صورت صحت آن را بنویسم و به همین گونه عمل کردیم تا تمام این کتاب از کار درآمد.^۱ و قاضی صاعد اندلسی (م. ۴۶۲ ق.) می‌گوید حنین بن اسحاق در بصره نزد خلیل عربی می‌آموخت و کتاب العین را به بغداد آورد.^۲ اگر مطلب قاضی صاعد درست باشد بر اتمام کتاب توسط خود خلیل یا با اشراف او دلالت دارد. نشوان حمیری (م. ۵۷۳ ق.) نیز از خلیل به عنوان صاحب کتاب العین یاد کرده است.^۳ ابوبکر الاشبیلی (م. ۵۷۵ ق.) کتاب العین را از خلیل دانسته و سند کتاب را به شرح زیر بیان کرده است: ابو محمد بن عتاب از ابو عمر یوسف بن عبدالله بن عبدالبر و احمد بن محمد بن یحیی بن الحذاء، از ابوالقاسم عبدالوارث بن سفیان بن حیرون، از قاضی منذر بن سعید البلوطی، از ابی العباس احمد بن الولید معروف به ولاد تمیمی النحوی، از پدرش محمد بن ولید، از ابی الحسن علی بن مهدی، از ابی معاذ عبدالجبار بن یزید از لیث بن مظفر بن سیار، از خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم الفراهیدی.^۴ ابن انباری (م. ۵۷۷ ق.) گوید: کتاب العین را خلیل بر لیث املاء کرد.^۵ قفطی (م. ۶۴۶ ق.)،^۶ ابن البار (م. ۶۵۸ ق.)،^۷ صفدی

۱. ابن ندیم، همانجا؛ و نیز - سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۱؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۵؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۶ و ۲۳۷؛ عبدالحسین حائری، همانجا.

۲. قاضی صاعد، همانجا؛ و نیز - قفطی. همانجا؛ ابن ابی اصیبه، عیون الانباء، ص ۴۵۸ و ۴۶۷؛ دهخدا، همان، ذیل «حنین بن اسحاق».

۳. حور العین، ص ۱۱۲.

۴. فهرسة ما رواه عن شیوخه من الدواوین المصنفة فی ضروب العلم، ص ۳۲۹.

۵. نزهة الالباء فی طبقات الادباء، ص ۱۴۶؛ و نیز - محمد شفیع، همان، ص ۴۷.

(م. ۷۴۶ ق.)،^۸ ذهبی (م. ۷۴۸ ق.)،^۹ یافعی (م. ۷۶۸ ق.)،^{۱۰} ابن خلدون (م. ۸۰۸ ق.)،^{۱۱} قلقشندی (م. ۸۲۱ ق.)،^{۱۲} ابن الجریزی (م. ۸۳۳ ق.)^{۱۳} و ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)^{۱۴} از جمله کسانی هستند که کتاب‌العین را به خلیل بن احمد نسبت داده‌اند. سیوطی (م. ۹۱۱ ق.) از قول حمزه اصفهانی شمارش ابواب کتاب‌العین و جمع آنها را آورده و این را دال بر آن می‌داند که خلیل کتاب را تمام کرده است. وی همچنین سند کتاب را به ترتیب زیر آورده است: ابوعلی الفسانی از حافظ ابو عمر بن عبدالبرّ از عبدالوارث بن سفیان از قاضی منذر بن سعید از ابی العباس ولاد، از پدرش از علی بن مهدی از ابو معاذ عبدالجبار بن یزید از لیث از خلیل بن احمد.^{۱۵} طاش کیری زاده (م. ۹۶۸ ق.)،^{۱۶} ابن العماد (م. ۱۰۸۹ ق.)،^{۱۷} محمد بن الرّودانی (م. ۱۰۹۴ ق.)،^{۱۸} عبداللطیف بن محمد ریاضی زاده (م. قرن ۱۱ ق.)،^{۱۹} و عبدالله اصفهانی^{۲۰} نیز کتاب‌العین را از آن خلیل دانسته‌اند.

تحقیقات و منابع متأخر به بحث در این باب پرداخته و نظرات گوناگون را بیان داشته‌اند. اما بیشتر این تحقیقات نهایتاً خلیل بن احمد را مؤلف این کتاب شناخته‌اند که از آن جمله‌اند: آقا بزرگ طهرانی،^{۲۱} سید حسن صدر،^{۲۲} اسماعیل

۶. انباه الرواة، ج ۱، ص ۳۴۱.

۷. المقضب من کتاب تحفه القادِم، ص ۱۸۴.

۸. همانجا.

۹. العبر، ج ۱، ص ۲۸۶؛ و سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۴۲۹.

۱۰. مرآت الجنان، ج ۱، ص ۳۶۳.

۱۱. همانجا.

۱۲. صبح الاغشی، ج ۱، ص ۴۲۰.

۱۳. غایة النهایة، ج ۱، ص ۲۷۵.

۱۴. تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۱۵. بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۹ المزهَر، ج ۱، ص ۱۷۶؛ و نیز حَاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۱؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۳؛ محمد شفیع، همانجا.

۱۶. مفتاح السعادة، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۷. شذرات الذهب، حوادث سال ۱۷۰؛ و نیز حَاجی خلیفه، همان، ج ۶، ص ۳۳۸.

۱۸. صلة الخلف بموصول السلف، ص ۳۰۸.

۱۹. اسماء الکتاب، ص ۲۱۲.

۲۰. همانجا.

۲۱. همانجا.

۲۲. تأسیس الشیعه، ص ۱۵۱.

پاشا بغدادی،^۱ ادوارد فندیك،^۲ زرکلی،^۳ جرجی زیدان،^۴ الیاس سرکیس،^۵ سلطانعلی سلطانی،^۶ مهدی المخزومی،^۷ سرگئی شویکی،^۸ احمد تیمور پاشا،^۹ دائرة المعارف اسلام،^{۱۰} شهیدی،^{۱۱} س.م. یوسف،^{۱۲} محمدعلی مدرس،^{۱۳} عبدالله درویش،^{۱۴} مسعود فرزاد،^{۱۵} وجدی رزق عالی،^{۱۶} ج.ف. اخیدیمه^{۱۷} و ابراهیم الایاری.^{۱۸}

ب) انتساب به شخص یا اشخاص غیر از خلیل: ابونصر ازهری (م. ۳۷۰ ق.) می‌گوید: «لیث بن مظفر کتاب العین را تألیف کرد و آن را به نام خلیل بن احمد رایج کرد.» و از اسحاق بن ابراهیم الحنظلی فقیه نقل می‌کند که: «لیث مردی صالح بود و خلیل بمرد و از کتاب العین فارغ نشد پس لیث خواست کتاب را رواج دهد، زبان خود را خلیل نامید و چون در کتاب بینی «سألت الخلیل بن احمد» یا «اخبرنی الخلیل بن احمد» یعنی خود خلیل و چون گوید «قال الخلیل» یعنی زبان وی. و وقوع اضطراب از جانب لیث است.»^{۱۹} ابن ندیم گوید: «این کتاب را کسی از

۱. هدیه العارفين، ج ۱، ستون ۳۵۰.

۲. اكتشاف القنوع بماهور مطبوع من اجل التألیف العربیه فی المطابع الشرقیه و الغربیه، ص ۲۹۸.

۳. همانجا.

۴. تاریخ آداب اللغة، ج ۲، ص ۱۲۲.

۵. همانجا.

۶. همانجا.

۷. همان.

۸. همانجا.

۹. همانجا.

۱۰. همانجا.

۱۱. همانجا.

۱۲. همانجا.

۱۳. همانجا.

۱۴. المعاجم العربیه، ص ۵۶.

۱۵. همانجا.

۱۶. همان.

۱۷. «نقش جهان اسلام در دانش فرهنگ‌نویسی».

۱۸. «العین للخلیل بن احمد»، ص ۸۸۹-۹۰۰.

۱۹. مقدمه تهذیب اللغة، ص ۲۸؛ و نیز - سیوطی، المزهر، ص ۷۶؛ عبدالله اصفهانی، همانجا؛ سید حسن

صدر، الشیعه و فنون الاسلام، ص ۷۷ و تأسیس الشیعه، ص ۱۴۷ و ۱۵۲؛ محمد شفیع، همانجا؛ مهدی

المخزومی، همان، ص ۱۹-۲۴؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

خلیل روایت نکرده و در اخبار هم شنیده نشده که مؤلفش اوست»^۱. ابن جنی در الخصائص نوشته است که تخیلیط و خلل و تباهی در کتاب‌العین چنان است که آن را به کوچکترین شاگردان خلیل نسبت نتوان داد تا به شخص وی چه رسد و بی‌گمان این تخیلیط از جانب کسی جز خلیل در آن راه یافته است.^۲ حاجی خلیفه از ابوغالب تیانی مؤلف فتح‌العین آرد که: «انتساب این کتاب به خلیل به ثبوت نپیوسته است و بزرگان بصره که نزد اصحاب خلیل ادب فرا گرفته و علم او را اخذ کرده‌اند این کتاب را طرد و انکار می‌کنند، چه انتساب آن به خلیل جز از طرف مردی نامشهور شنیده نشده است»^۳.

ج) انتساب به خلیل و دیگران: ابن‌المعز (م. ۲۶۹ ق.) داستانی را از ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن جعفر و او از قول محمد بن المهلبی نقل می‌کند که: «خلیل بن احمد نزد لیث بن نصر بن سيار می‌رفت و لیث از بهترین منشیان زمان بود و در ادب دست داشت و به نحو و شعر و لغت عرب آگاهی داشت. او با آل برمک اختصاص تمام داشت و به افشای دیوان همت می‌گماشت. پس خلیل نزد او رفت و چون لیث را بر حقیقت حال و مراتب فضل و کمال خلیل اطلاع حاصل شد او را رعایت بسیار نمود و بی‌نیاز ساخت و خلیل مدتی در آن فکر بود که تحفه لایق جهت لیث به هم رساند و می‌دانست که از اقسام مال چیزی را در نظر لیث موقعی نیست و به هیچ چیز آنقدر خوشحال نمی‌شود که به ظرایف آداب و بنا بر این اهتمام در تصنیف کتاب عین و اتمام آن نمود و بعد از اتمام آن را به خط خوب و قطع مرغوب تزیین داده به لیث فرستاد و لیث از آن کتاب بسیار خوشحال شد و وقتی عظیم در خاطر او یافت و صد هزار درهم به جایزه آن جهت خلیل فرستاد و زبان به عذرخواهی تقصیر گشاد. بعد از آن لیث روز و شب اوقات خود را صرف مطالعه آن کتاب می‌کرد و ملول و افسرده نمی‌شد و هر جا که مطالعه او منتهی می‌شد آن را نشانی می‌کرد و چون از خدمت

۱. همانجا؛ و نیز - شهیدی، همان، ص ۲۳۳.

۲. المزهر، ص ۷۹؛ و نیز - حاجی خلیفه، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ حائری، همانجا؛ شهیدی، همانجا.

۳. حاجی خلیفه، همانجا.

برامکه مراجعت می نمود از آنجا مطالعه می فرمود تا آن که نصف کتاب را به ترتیب حفظ کرد.

اتفاقاً در آن اثنا لیث کنیزی به غایت حسن و جمال خرید و در خانه یکی از دوستان خود او را منزل مهیا ساخته پنهان از خاتون خانه به خدمت او می رسید و چون خاتون دختر عمه لیث و صاحب جمال و مال بود و پیش از آن محبت با هم داشتند، آن مضمون را شنید آتش رشک و غیرت از کانون سینه اش شعله کشید و سوگند یاد کرد که زبانی عظیم به لیث رساند و چون با خود تأمل کرد که لیث را پروای زیان مال نیست و دیده بود که به آن کتاب بسیار شغف و رغبت دارد تا آن که جمیع ملامی و لذات را از خود دور ساخته و شب و روز خود را بر بالای آن کتاب انداخته لاجرم کتاب عین را عین الکمال رسانیده بسوخت و چون لیث از خانه آل برمک مراجعت نمود فی الحال بیکی از خادمان فریاد کرد که کتاب مرا بیاور و چون ظاهر شد که کتاب پیدا نیست نزدیک بود که از غصه هلاک شود و بنا بر گمان آن که خادمان آن را دزدیده اند همه را جمع نمود و تهدید فرمود و در آن اثنا یکی از ایشان گفت که خاتون خانه آن را گرفته. آن گاه لیث نزد او رفت تا او را راضی کرده کتاب را بگیرد به او گفت که کتاب را به من بسپار و من جاریه را به تو بخشیدم و او را بر خود حرام گردانیدم. خاتون دست او گرفته به خانه ای برد که آن کتاب را سوخته بود. لیث را چون نظر بر خاکستر افتاد و یقین دانست که آن کتاب را سوخته او را حالی بدتر از آن به هم رسید که گویی پسر او مرده بود و نصفی را که از حفظ داشت بنوشت و چون خلیل مقارن آن وفات یافته بود و نسخه منحصر در همان یک نسخه بود نصفی دیگر ضایع بماند. آن گاه علمای زمان را جمع کرد تا نصف دیگر را بر منوال نصف باقی تألیف کنند و ایشان در آن باب سعی بسیار نمودند اما مانند آن تألیفی نتوانستند چنانکه هر که نظر بر هر دو نصف می اندازد تفاوت بسیار در احکام و اتقان ادراک می کند.^۱ ابوطیب لغوی

۱. ابن المعتز، همانجا؛ و نقل کامل یا با اندک اختلاف - السیوطی، بغية الوعاة، ج ۱، ص ۵۶ و المزهر، ج ۱، ص ۱۷۶؛ طاش کبری زاده، همانجا؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ص ۵۵۲؛ حاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۱۵۲؛ محسن الامین، همانجا؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۷؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۵ و ۲۳۷.

(م. ۳۵۱ ق.) می‌گوید: «خلیل ابواب کتاب العین را مرتب کرد و پیش از آنکه آن را کامل کند درگذشت». و هم ابوطیب گوید: «از اسحاق بن راهویه نقل شده که لیث مرد صالحی بود و خلیل از کتاب العین تنها باب عین را عمل کرده بود و لیث باقی کتاب را تصنیف کرد و به نام خلیل کرد... و خللی که در کتاب است از خلیل نیست»^۱. ابوهلال عسکری (م. احتمالاً ۳۵۹ ق.) از قول احمد بن یحیی می‌گوید که اغلاطی که در کتاب العین وارد شده از خلیل نیست و علت آن این است که خلیل آن را تکمیل نکرد بلکه گروهی از علماء آن را به انجام رساندند.^۲ و ابوسعید سیرافی (م. ۳۶۸ ق.) آغاز کتاب العین را از خلیل می‌داند.^۳ ابوبکر زبیدی گوید: «آنچه استوارتر است این که خلیل بنیاد این کتاب را بنهاد و کلمات عرب را فراهم آورد و استوار ساخت، لکن پیش از پایان کار درگذشت، سپس کسی که در این فن به پایه او نمی‌رسید اتمام آن را به عهده گرفت و خلل و خطایی که در کتاب موجود است از این راه پدید آمد». و همو گوید: «هیچ یک از نزدیکان خلیل صحبتی از این کتاب به میان نیاوده‌اند».^۴ ابن ندیم در روایت دیگری در باب مؤلف کتاب العین چنین آورده است: «گفته‌اند لیث در مدت کوتاهی که با خلیل مصاحبت داشت خلیل این را برای او ترتیب داد و رویه کار را به او گفت و چون مرگ او را در ربود لیث آن را به اتمام رسانید».^۵ و ابن خلکان گوید: «خلیل کتاب را شروع کرده و اوائل آن را مرتب کرد و العین نامید. سپس فوت شد و

۱. مراتب النحویین، ص ۳۰؛ و نیز سیوطی، بنية الوعاة، ص ۵۵۹ و المزهر، ص ۷۸؛ طاش کبری زاده، همانجا؛ حاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۴۸ و ۱۵۳؛ محسن الامین، همانجا؛ زرکلی، همانجا؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۳ و ۲۳۵.

۲. من کتاب الاوائل، ص ۳۸۷.

۳. اخبار النحویین بصرین، ص ۳۸؛ و نیز سیوطی، بنية الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۷ و المزهر، ج ۱، ص ۷۶؛ حاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۲؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۷۴۷-۷۵۰؛ محمد شفیع، همانجا؛ حنا الفخوری، تاریخ ادبیات عرب، ص ۵۵۷؛ غلامحسین مصاحب، همانجا؛ شهیدی، همانجا.

۴. السیوطی، المزهر، ج ۱ ص ۷۹؛ و نیز حاجی خلیفه، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۱۹ و ۲۶؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶.

۵. ابن ندیم، همانجا؛ و نیز یاقوت حموی، معجم الادبایه، ج ۱۱، ص ۷۴؛ شرف الدین نووی، تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۱۷۸؛ صفدی، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۴؛ Fuat Sezgin, *Ibid*, v.8, p.52.

شاگردانش نصر بن شمیل و مورج السدوسی و نصر بن علی الجهضمی و غیرهم آن را تکمیل کردند»^۱.

کتابهایی که به نحوی با کتاب العین مربوط بوده‌اند

کتاب العین به عنوان اولین فرهنگ لغت زبان عربی، بحثهای زیادی را میان پژوهشگران و محققین متقدم و متأخر برانگیخته است. در این بحثها و نظریات ابعاد مختلف این کتاب به نقادی کشیده شده است، برخی به اختصار آن همت گماشته‌اند و برخی بر آن ردیه نوشته و گروهی نیز در مقام دفاع از آن برآمده‌اند. اینک فهرستی از این کتابها:

فائت العین / خلیل بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۵ ق.)؛^۲ المدخل الی کتاب العین / نصر بن شمیل (م. ۲۰۴ ق.) از شاگردان خلیل؛^۳ الاستدراک علی کتاب العین / علی بن نصر الجهضمی (م. ۱۸۷ ق.)؛^۴ الاستدراک علی کتاب العین / مؤرج السدوسی (م. ۱۹۵)؛^۵ استدراک علی الخلیل فی المهمل و المستعمل / ابوتراب (م. ۲۷۵ ق.)؛^۶ الرد علی الخلیل و اصلاح ما فی کتاب العین من الغلط و المحال و التصحیف / المفضل بن سلمه (م. ۳۰۰ ق.)؛^۷ الحاصل / ابوالاظهر

۱. ابن خلکان، همان، ص ۱۱۷؛ و نیز - ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۰، ص ۱۶۱؛ محمد شفیع، همانجا؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.
۲. ابن ندیم، همان، ص ۱۷۶؛ و نیز - یاقوت حموی، همان، ج ۱۱، ص ۱۷۴؛ السیوطی، بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۷؛ اسماعیل پاشا بغدادی، همانجا؛ محمدعلی مدرس، همانجا؛ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ دهخدا، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۰؛ Fuat Sezgin, *Ibid*, V.8, p.54؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۰۸.
۳. ابن ندیم، همان، ۱۹۱؛ و نیز - قفطی، همان، ج ۳، ص ۳۵۲؛ یاقوت حموی، همان، ج ۱۹، ص ۲۴۳؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۴؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۰۵.
۴. Fuat Sezgin, *Ibid*؛ آقا بزرگ طهرانی و شهیدی، نام مؤلف را عبدالله الجهضمی قید کرده‌اند؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۱۰.
۵. Fuat Sezgin, *Ibid*؛ آقا بزرگ طهرانی و شهیدی، نام مؤلف را عبدالله السدوسی قید کرده‌اند؛ احمد الشرفاوی اقبال، همانجا.
۶. ابن ندیم، همان، ص ۱۴۱؛ و نیز - قفطی، همان، ج ۴، ص ۱۹۷؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۹؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.
۷. ابوطیب لغوی، همان، ص ۲۷-۴۱؛ و نیز - ابن ندیم، همان، ص ۱۲۴؛ ابن الانباری، همان، ص ۲۰۲؛ قفطی، همان، ج ۳، ص ۱۳۰۶؛ السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۱۸۷؛ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۳؛

البخاری (قرن ۴ ق.)؛^۱ الاستدراک علی کتاب العین / ابن درید (م. ۳۲۱ ق.)؛^۲ التوسط / ابن درید؛^۳ الرد علی المفضل فی نقضه علی الخلیل / ابو عبدالله نبطویه (م. ۳۲۳ ق.)؛^۴ ما اغفله الخلیل فی العین و ما ذکر انه مهمل و هو مستعمل و ما هو مستعمل و قد اهل / ابو عبدالله محمد بن عبدالله الکرمانی الوراق (م. ۳۲۹ ق.)؛^۵ فائت العین / ابو عمرو زاهد معروف به غلام ثعلب (م. ۳۴۵ ق.)؛^۶ الانتصار لکتاب العین / ابن درستویه (م. ۳۴۷ ق.)؛^۷ الرد علی المفضل فی رد علی الخلیل / ابن درستویه؛^۸ نقض کتاب العین / ابن درستویه؛^۹ الرد علی من نقله کتاب العین عن الخلیل / ابن درستویه؛^{۱۰} تکملة کتاب العین / احمد بن محمد الخارزنجی (م. ۳۴۸ ق.)؛^{۱۱} الرد علی اللیث / ابو منصور الازهری (م. ۳۷۰ ق.)؛^{۱۲} الرد علی اللیث / علی محمد الشمشاطی (م. ۳۷۷ ق.)؛^{۱۳} مختصر العین / ابوبکر محمد بن حسن

- شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۳؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همانجا، به نام الاستدراک علی الخلیل فی کتاب العین.
۱. قفطی، همان، ج ۴، ص ۹۳ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۰۹.
 ۲. آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ و نیز - شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۱۰.
 ۳. قفطی، همان، ج ۳، ص ۱۹۷ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.
 ۴. ابن ندیم، همان، ص ۱۱۳۸ و نیز - یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۲۷۲؛ قفطی، همان، ج ۱، ص ۱۸۰؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همانجا.
 ۵. ابن ندیم، همان، ص ۱۱۳۴ و نیز - قفطی، همان، ج ۳، ص ۱۵۵؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ محمد شفیع، همان، ص ۱۴۹؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۴؛ شهیدی، همانجا؛ سلطانی، همان، ص ۲۳۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همانجا.
 ۶. ابن ندیم، همان، ص ۱۱۲۸ و نیز - یاقوت حموی، همان، ج ۱۸، ص ۲۳۲؛ قفطی، همان، ج ۳، ص ۱۷۷؛ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۳؛ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۰۸.
 ۷. قفطی، همان، ج ۲، ص ۱۱۴ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*.
 ۸. قفطی، همانجا؛ و نیز - السیوطی، همان، ج ۱، ص ۹۹؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.
 ۹. ابن خلکان، همان، ص ۱۷؛ و نیز - ابن کثیر، همانجا؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*.
 ۱۰. محمد شفیع، همانجا؛ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*.
 ۱۱. قفطی، همان، ج ۱، ص ۱۱۰۷ و نیز - عبدالله احدی، همانجا، به نام احمد بن البشتی؛ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۳؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۰۸.
 ۱۲. یاقوت حموی، همان، ج ۱۷، ص ۱۶۵.
 ۱۳. نجاشی، فهرست اسماء المصنفین الشیعه، ص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ و نیز - عبدالله افندی، همانجا؛ محسن

الزبيدي (م. ۳۷۹ ق.)؛^۱ الاستدراك الغلط الواقع في كتاب العين / ابوبكر محمد بن حسن الزبيدي؛^۲ رساله الانتصار للخليل في ماورد عليه في العين / ابوبكر محمد بن حسن الزبيدي؛^۳ المستدرک / ابوبكر محمد بن حسن الزبيدي؛^۴ الاستدراك لما اغفله الخليل / ابو الفتح محمد بن جعفر بن المراعي الهمداني (م. ۳۸۰ ق.)؛^۵ مختصر العين / ابوالحسن علي بن القاسم السنجاني الخوافي (م. ۴۰۰ ق.)؛^۶ غلط كتاب العين / ابو عبدالله محمد بن عبدالله الخطيب الاسكافي (م. ۴۲۰ ق.)؛^۷ فتح العين / ابو غالب بن التتائي (م. ۴۳۶ ق.)؛^۸ قيد الاوابد / اسماعيل بن ابراهيم بن محمد الربيعي اليماني (م. ۴۸۰ ق.)؛^۹ مختصر العين / ابي الحسن علي بن ابراهيم بن سعيد الخوافي؛^{۱۰} مختصر العين / ابي الفيض محمد بن محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني معروف به مرتضى الزبيدي (م. ۱۲۰۵ ق.)؛^{۱۱}

الامين، همان، ج ۶، ص ۳۴۱؛ Fuat Sezgin, *Ibid*.

۱. ابوبكر الاشيبلي، همان، ص ۳۴۹ و ۳۵۰ و نیز - ياقوت حموي، همان، ج ۱۸، ص ۱۸۰؛ قفطي، همان، ج ۳، ص ۱۱۰۸؛ ابن خلدون، همانجا؛ السيوطي، همان، ج ۱، ص ۸۷؛ عبدالله احدي، همانجا؛ آقا بزرگ طهراني، همانجا؛ محسن الامين، همان، ج ۶، ص ۳۴۴؛ شهيدى، همانجا؛ سيد حسن صدر، همان، ص ۱۱۴۸؛ جرجي زيدان، تاريخ اداب اللغة العربية، ج ۲، ص ۱۲۲؛ غلامحسين مصاحب، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*; Carl Brockelman, *Ibid*, Supp. 1, p.159.
۲. السيوطي، همان، ج ۱، ص ۱۷۹؛ و نیز - حاجي خليفه، همان، ج ۲، ستون ۱۱۴۴۳؛ آقا بزرگ طهراني، همانجا؛ سيد حسن صدر، همان، ص ۱۵۳ و ۱۷۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشراقي اقبال، همان، ص ۲۱۱.
۳. قفطي، همان، ج ۳، ص ۱۱۰۸؛ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*.
۴. احمد الشراقي اقبال، همان، ص ۲۰۹.
۵. ابن نديم، همان، ص ۱۴۴؛ و نیز - ياقوت حموي، همان، ج ۱۸، ص ۱۰۲؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشراقي اقبال، همان، ص ۲۰۹.
۶. عبدالله احدي، همانجا؛ و نیز - محسن الامين، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*.
۷. ياقوت حموي، همانجا؛ و نیز - حاجي خليفه، همان، ج ۲، ستون ۱۱۴۴۳؛ آقا بزرگ طهراني، همانجا؛ شهيدى، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ محسن الامين، همانجا؛ احمد الشراقي اقبال، همان، ص ۲۱۱.
۸. السيوطي، همان، ج ۱، ص ۸۸؛ و نیز - حاجي خليفه، همان، ج ۲، ستون ۱۱۴۴۴؛ آقا بزرگ طهراني، همانجا؛ محسن الامين، همانجا؛ شهيدى، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشراقي اقبال، همان، ص ۲۰۵؛ به نام تلقيح العين.
۹. قفطي، همان، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ و نیز - عمررضا كخآله، معجم المؤلفين، ج ۲، ص ۲۵۴؛ Fuat Sezgin, *Ibid*.
۱۰. احمد الشراقي اقبال، همان، ص ۲۰۶.
۱۱. احمد الشراقي اقبال، همان، ص ۲۰۷.

منابع

- ۱- آقا بزرگ طهرانی، محمدحسین. الذریعة الى تصانیف الشیعه، طبع ۲، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق، ۲۵ جلد.
- ۲- ابن‌الابار، محمدبن عبدالله. المقتضب من کتاب تحفه القادِم، اختیار و تقييد ابی اسحاق ابراهيم بن محمد البلقی؛ تحقیق ابراهيم الابيارى، قاهره: دارالکتاب المصرى، ۲۵۷ ص.
- ۳- ابن‌الجزرى، شمس‌الدين. غاية النهایه فى طبقات القراء؛ عنى نبشره ج. برجستراسر، مصر: مکتبه الخانجى، ۱۳۵۱ ق، ۳ جلد در ۲ مجلد.
- ۴- ابن‌العماد، عبدالحى بن‌احد. شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، بیروت: دارالمسيره، ۱۹۷۹.
- ۵- ابن‌ابى‌اصيبه، موفق‌الدين ابى‌العباس. عیون الانباء فى طبقات الاطباء؛ به کوشش جعفر غضبان و محمود نجم‌آبادى، ۱۳۴۹.
- ۶- ابن‌حجر عسقلانى، احدبن‌على. تهذیب التهذیب، حیدرآباد الدکن: دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۲۷ ق، ۱۲ ج.
- ۷- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن‌محمد. مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادى، تهران: مرکز انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۶۲، ۲ جلد.
- ۸- ابن‌خلکان، احمد بن محمد. وفيات الاعیان و انباء انباء الزمان، حققه و علق حواشیه محمد محى‌الدين عبدالحمید، قاهره: مکتبه النهضة المصریه، ۱۳۶۷-۱۳۶۹ ق، ۶ جلد.
- ۹- ابن‌درید، محمدبن‌حسن. جمهرة اللغة، حیدرآباد الدکن، ۱۳۴۵ ق.
- ۱۰- ابن‌صاعدالاندلسى، قاضى ابى‌القاسم. طبقات الامم، به کوشش الاب لویس شیخ‌الیسوعى، بیروت: المطبعة الكائو ليكية للآباء اليسوعيين، ۱۹۱۲.
- ۱۱- ابن‌عطیه، عبدالحق بن غالب. فهرس، تحقیق محمد ابوالاجفان و محمد الزاهى، بیروت: دارالغرب الاسلامى، ۱۹۸۳.
- ۱۲- ابن‌کثیر، اسماعیل بن‌عمر. البداية و النهایه فى تاریخ، قاهره: مطبعة السعادة، ۱۳۵۱ -

[۱۳۵۸] ق.، ۱۴ جلد در ۷ مجلد.

۱۳- ابن المعتز، ابوالعباس. طبقات الشعراء، تحقيق عبدالستار احد فراج، مصر: دارالمعارف [تاريخ التمهيد ۱۳۷۵ ق.] ۶۰۳ ص.

۱۴- ابن نديم، محمد بن اسحاق. الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶.

۱۵- ابن ولاد، احمد بن محمد. المقصور و الممدود (على حروف المعجم)، استخراج و صححه بولس بروثله، ليدن: بريل، ۱۹۰۰.

۱۶- ابوالطيب لغوي، عبدالواحد بن علي. مراتب النحويين، قاهره: مكتبة النهضة مصر، ۱۳۵۷ ق.

۱۷- الابياري، ابراهيم، «العين للخليل بن احمد». تراث الانسانية، مصر: وزارة الثقافة، [۱۳] ق.]

۱۸- اخيديمه، ج. ف. «نقش جهان اسلام در دانش فرهنگنويسی»، ترجمه حكيم الدين قريشي. نشر دانش، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۶۱.

۱۹- ادوارد فنديك. اكتفاء القنوع، بماهو مطبوع من اجل التأليف العربية في المطابع الشرقية و الغربية، صححه محمد علي البيلاوي، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي، ۱۴۰۹ ق.

۲۰- ازهرى، ابو منصور. تهذيب اللغة، حققه و قدم له عبدالسلام محمد هارون، راجعه محمد علي نجار، [قاهره] الدار المصرية للتأليف و الترجمة [۱۳۸۴ ق.]

۲۱- الاشيبلي، محمد بن خير. فهرسة مارواه عن شيوخه من الداوين المصنفة في ضروب العلم و انواع المعارف [قاهره: مكتبة الخانجي، ۱۳۸۲ ق.]

۲۲- افندي اصفهاني، عبدالله بن عيسي، رياض العلماء و حياض الفضلاء، باهتمام محمود المرعشي، تحقيق احمد الحسيني، قم: مكتبة آية الله المرعشي العامة، ۱۴۰۱ ق.

۲۳- امين، سيد محسن. اعيان الشيعة، حققه و اخرجه حسن الامين، بيروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.

۲۴- انباري، ابوالبركات عبدالرحمن بن محمد. نزهة الالباء في طبقات الادباء، قام حقيقه ابراهيم السامرائي بغداد: وزارة المعارف، ۱۹۵۹، ۳۵۴ ص.

۲۵- البغدادي، اسماعيل پاشا. هدية العارفين: اسماء المؤلفين و آثار المصنفين من

- کشف الظنون، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۲ ق.
- ۲۶- پور احمد جکتاجی، اسماعیل. تاریخچه کتابخانه ملی، تهران: کتابخانه ملی ایران ۱۳۵۷.
- ۲۷- تیمور پاشا، احمد. نوادر المخطوطات العربية و اماکن وجودها، نشرها صلاح‌الدین المنجد، بیروت: دارالکتب الحدید، ۱۹۸۰، ۱۲۷ ص.
- ۲۸- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، تهران: اسلامیة و جعفری، ۱۳۸۷ ق. ۲ جلد.
- ۲۹- حلبی، علی اصغر. تاریخ تمدن اسلام، تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۵.
- ۳۰- الحمزازی، محمد رشاد. من قضايا المعجم العربي، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۶.
- ۳۱- حمزة اصفهانی. التنبیه علی حدوث التصحیف، حقیقه محمد اسعد طلّس، راجعه اسماء الحمصی، دمشق: مجمع اللغة العربية، ۱۳۸۸ ق. ۲۴+۳۰۳ ص.
- ۳۲- خوانساری، محمد باقر. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ترجمه محمد باقر ساعدی، تهران اسلامیة، ۱۳۵۶، ۸ جلد.
- ۳۳- دارالکتب الظاهرية. فهرس مخطوطات علوم اللغة العربية، وضعته اسماء الحمصی، دمشق: ۱۳۹۳ ق.
- ۳۴- دارالکتب المصریة. فهرس الکتب العربية، قاهره: مطبعة دارالکتب المصریة، ۱۹۲۶.
- ۳۵- درویش، عبدالله. المعاجم العربية مع اعتناء خاص بمعجم العين للخلیل بن احمد، قاهره، ۱۹۵۶.
- ۳۶- دهخدا، علی اکبر. لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغتنامه دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۵۹.
- ۳۷- ذهبی، شمس‌الدین. سیر اعلام النبلاء، اشرف علی تحقیق الکتاب و خرج احادیثه شعيب الارنوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۲.
- ۳۸- _____ . العبر فی خبر من غیر، کویت: دائرة المعارف و النشر، ۱۹۶۰، ۴ جلد.
- ۳۹- الزودانی، محمد بن سلیمان. صلة الخلف بموصول السلف، تحقیق محمد حجی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۸.

- ۴۰- رياضی زاده، عبداللطيف بن محمد. اسماہ الکتب، قاہرہ: مکتبۃ الخانجی، ۱۹۷۵.
- ۴۱- زرکلی، خيرالدين. الاعلام، قاموس تراجم الاشهر الرجال و النساء من المغرب و المستغربين و المستشرقين، بيروت: دارالعلم للملایين، ۱۹۸۰، ج ۸.
- ۴۲- زبیدی، ابوبکر محمد بن الحسن. طبقات النحویین و اللغویین، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهيم: امین الخانجی ۱۳۷۳ ق. ۳+۲۰۸ ص.
- ۴۳- زيدان، جرجی. تاريخ آداب اللغة العربية، مصر: مطبعة الهلال.
- ۴۴- ———. تاريخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیرکبير، ۱۳۵۶، ۵ جلد.
- ۴۵- سرکيس، يوسف اليان. معجم المطبوعات العربية و المعربة، مصر: مطبعة سرکيس، ۱۳۶۶ ق. ۲ جلد.
- ۴۶- سلطانی، سلطانعلی. «تدوين لغت تازی به وسیله ایرانیان»، مقدمه لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۵-۱۳۵۹.
- ۴۷- السیرافی، ابوسعید حسن بن عبدالله. اخبار النحویین البصرين، اعتنى بنشره و تهذيبه فريتس كرنكو، الجزائر، معهد المباحث الشرقية [تاريخ التمهيد ۱۳۷۵ ق.] ۱۱۶ ص.
- ۴۸- السيوطی، عبدالرحمن بن ابی بكر. بغية الوعاة في طبقات اللغویین و النحاة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهيم، [مصر] مطبعة عيسى البابي الحلبي، ۱۳۸۴ ق.، ۲ جلد.
- ۴۹- ———. المزهري في علوم اللغة و انواعها، شرحه و ضبطه و صححه و عنون موضوعاته محمد احمد جادالمولى، علی محمد البجاوی، محمد ابوالفضل ابراهيم، قاہرہ: داراحياء الكتب العربية، ۲ جلد.
- ۵۰- الشرفاوی، اقبال احمد. معجم المعاجم، بيروت: دارالغرب الاسلامي، ۱۴۰۷ ق.
- ۵۱- شفيح، محمد. «الخليل بن احمد العروضي». اورينتل كالج مگزین، ج ۲۲، شماره ۲: ۲۸-۵۲، [اردو].
- ۵۲- شوشتری، قاضي نورالله. مجالس المؤمنین، تهران: اسلاميه، ۱۳۷۵ ق.
- ۵۳- شهیدی، سيد جعفر. «بحثی درباره كتاب العين و مؤلف آن». مقدمه لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران. سازمان لغتنامه دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۵۹.
- ۵۴- صدر، سيد حسن. تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام، بيروت: دارالرائد العربي، ۱۴۰۱ ق.

۵۵. ———. الشیعه و فنون الاسلام، صیدا: مطبعة العرفان، ۱۳۳۱ ق.
۵۶. صفدی، خلیل بن ابیک. الوافی بالوفیات، باعتناء هلموت ویترو و دیگران، ویسبادن: فرانتس شتایز، ۱۳۸۱ ق.
۵۷. طاش کبری زاده، احمد بن مصطفی. مفتاح السعادة و مصباح السیادة فی موضوعات العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۵، ۳ جلد.
۵۸. عبدالجبار عبدالرحمن. ذخائر التراث العربی الاسلامی، بصره: [دانشگاه بصره]، ۱۹۸۱.
۵۹. عسکری، حسین بن عبدالله. من کتاب الاوائل، اختار النصوص و قدم لها و علق علیها محمد المصری، دمشق: وزارت الثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۸۴، ۴۷۸ ص.
۶۰. الفاخوری، حنا. تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس، ۱۳۶۱، ۸۳۹ ص.
۶۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب‌العین، تحقیق مهدی المخزومی، ابراهیم السامرای، قم: دارالبحرۃ، ۱۴۰۵ ق.
۶۲. فرزاد، مسعود. «خلیل بن احمد و سیبویه»، ۲۵ مقاله تحقیقی فارسی درباره سیبویه، شیراز: دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۴.
۶۳. قفطی، علی بن یوسف. إنباء الرواة علی أنباء النحاة، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالکتب المصریه، ۱۹۵۰-۱۹۷۳، ۴ جلد.
۶۴. ———. تاریخ‌الحکماء، ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری، مقابله، تصحیح و کوشش بهمن دارابی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
۶۵. ———. اخبار العلماء باخبار الحکماء، تصحیح ژولیوس لیپرت، لایپزیک: دای تریشه، ۱۹۰۳.
۶۶. قلقشنندی، احمد بن علی. صبح الاعشی، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد، ۱۹۶۳، ۱۴ جلد.
۶۷. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. فهرست، عبدالحسین حائری، تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۴۸.
۶۸. کتابخانه ملی ملک. فهرست کتابهای خطی عربی و ترکی، زیر نظر ایرج افشار و محمد

- تقی دانش‌پژوه، تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۱.
- ۶۹- کخاله، عمررضا. معجم المؤلفین، دمشق: المكتبة العربية، ۱۳۷۶-۱۳۸۱ ق.، ۱۵ جلد.
- ۷۰- کنتوری، اعجاز حسین. کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۹ ق.
- ۷۱- المخزومی، مهدی. مقدمة کتاب العين، خليل بن احمد فراهیدی، قم: دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.
- ۷۲- مدرس، محمد علی. ریحانة الادب در تراجم احوال معروفین بکینة و لقب، تبریز: خیام، ۱۳۴۹ ش.
- ۷۳- مصاحب، غلامحسین. دایرة المعارف فارسی، تهران: فرانکلین، ج اول، ۱۳۴۵.
- ۷۴- ناتل خانلری، پرویز. «عروض عرب و عروض هند»، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۳، سال پنجم، ۱۳۲۷.
- ۷۵- نجاشی، احمد بن علی. فهرست اسماء مصنفی الشيعة، قم: مکتبه الداوری [۱۳۹۷ ق.]، ۳۴۰ ص.
- ۷۶- نشوان حمیری، ابوسعید نشوان بن سعید. الحورالعین، حقه و ضبطه و علق حواشیه کمال مصطفی، مصر: مکتبه الخانجی، ۱۹۴۸، ۵۰+۳۷۵ ص.
- ۷۷- نفیسی، سعید. «فرهنگهای پارسی»، مقدمه برهان قاطع، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲.
- ۷۸- النووی، یحیی بن شرف. تهذیب الاسماء و اللغات، مصر: اداره الطباعة المنیریة.
- ۷۹- وجدی زرق غالی، المعجمات العربية، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للتألیف و النشر، ۱۳۹۱ ق.
- ۸۰- الهلیس، یوسف. «علم الصوتیات عندالعرب»، أبحاث الندوة العالمیة الاولی لتاریخ العلوم عندالعرب المنعقدة بجامعة حلب من ۵-۱۲ ربيع الثانی ۱۳۹۶ ق.، حلب: جامعة حلب، ۱۹۷۷.
- ۸۱- همایونفرخ، رکن‌الدین. تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، تهران: سازمان کتابخانه‌های عمومی، [۱۳۵۹].
- ۸۲- الیافعی، محمد بن عبدالله. مرآة الجنان و عبرة اليقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث

الزمان، حیدرآباد الدکن: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۳۷ ق.

۸۳- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. معجم الادباء، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد.

۸۴- _____ . معجم البلدان، لایپزیک: بروکهاوس، ۱۸۶۶ (افست ایران) ۶ جلد.

۸۵- یوسف، س. م. «سنت فرهنگ‌نویسی در اسلام»، ترجمه علی محمد حق شناس، نشر دانش، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۶۲.

86- Brockelman, Carl. *Geschichte der arabischen literature*. - Leiden: Brill, 1943.

87- *Encyclopedia Britannica*; Chicago: Encyclopedia Britannica. 1967, 1985, ed. 14, ed.15.

88- Sellheim, R. "Al-Khalil B. Ahmad", in *The Encyclopedia of Islam*. - Leiden: Brill, 1978.

89- Sezgin, Fuat. *Gesehite des arabischen schrifttums*. - Leiden: Brill, 1982.

90- Shuikii, Sergei. "Encyclopedias, and dictionaries, Arabic and Persian". *Dictionary of the Middle ages*. - New York: Charles Scribner, 1984.

91- *Handschriftlich kataloge der Sammlungen*,^c *Abdalwahab An-naib und Sa^cid An-naqshbandi*, G.^c Auwad.